

# ترجمه قرآن کریم به زبان روسی از سابلوکوف تا پوروخووا\*

نوشته: دکتر عماد الدین حاتم

زبان روسی یکی از زبان‌هایی است که در مناطق گسترده‌ای از کره زمین انتشار دارد و از میراث ادبی و فکری اصیل و ماندگاری برخوردار است و آثار فکری و ادبی بسیاری، از زبان‌های مختلف دنیا به این زبان ترجمه شده است و اهل این زبان افتخار می‌کنند که زبان آنها تا این اواخر رتبه اول را در نشر کتاب داشته و هیچ زبانی هم‌سنگ آن نبوده است، جز این که در دوره حاکمیت شوروی، با وجود ترجمه‌های بسیاری از قرآن کریم به زبان روسی، مؤسسه‌های مطبوعاتی طبع و نشر قرآن را متوقف کردند و در همان حال زمینه نشر کتاب‌هایی که بر ضد قرآن و دین اسلام بود، به طور گسترده‌ای فراهم شد. این کتاب‌ها موضع‌گیری خصمانه شدیدی در برابر اسلام داشتند و چهره واقعی قرآن را دگرگون می‌نمودند.

ما اکنون در صدد آن نیستیم که انگیزه‌های این کار را بررسی کنیم؛ تنها به اختصار

\* اصل این مقاله به زبان عربی نگارش یافته و در تاریخ ۲۲-۲۵ محرم ۱۴۱۹ ق / ۱۸-۲۱ مه ۱۹۹۸ م به «الندوة الدولية، ترجمات القرآن الکریم الی لغات الشعوب والجماعات الاسلامیة» ارائه شده است. ترجمان وحی

می‌گوییم که این عمل از ایدئولوژی جدیدی نشأت گرفته بود که اتحاد شوروی در تفسیری که از جهان واقع و از تاریخ انسانی داشت آن را اعلام کرده و بر اساس آن در برابر ادیان اعلام جنگ داده بود، و میدان این جنگ، تعلیم و تربیت و اندیشه و دستگاه‌های فرهنگی و ارتباطی بود که طبعاً اسلام و مسلمانان سهم بیشتری از این حمله داشتند. جنگ بر ضد اسلام همراه با کوشش فراوانی بود که می‌خواست حتی سابقه تاریخی مسلمانان را هم نابود کند؛ مسلمانانی که حتی از اعلام موجودیت خود و از ایجاد رابطه با ملت‌های مسلمان دیگر محروم بودند.

البته این کار به یک نتیجه دو بُعدی منجر شد، زیرا از یک سو حقایق با پرده‌های ضخیمی از تحریف و گمراه‌سازی پوشیده شد، و از سوی دیگر، در دل‌های مسلمانان و دیگران که عطش آشنایی درست با اسلام را داشتند، علاقه به کشف حقیقت بیشتر شد و آتش آن شعله کشید. هنوز روزهای تحصیل در دانشگاه را به خاطر داریم که علاقه شدید برادران دانشجوی مسلمان خود را می‌دیدیم که از ما می‌خواستند نسخه‌ای از قرآن کریم را به آنان هدیه کنیم، هر چند به زبان عربی باشد، که طبعاً با آن آشنایی نداشتند و حروف آن را نمی‌شناختند. این اشتیاق و حسرت پس از شکست ایدئولوژی سابق و فروپاشی اتحاد شوروی و روشن شدن بسیاری از واقعیت‌های دردناک که زمانی طولانی بر روی آنها پرده کشیده شده بود، بیشتر شد، و ترجمه معانی قرآن کریم به زبان روسی و قرائت قرآن به زبان اصلی آن، آرزوی قلبی میلیون‌ها نفر گردید. این گروه‌ها منحصر به مسلمانان اتحاد شوروی سابق نیستند، بلکه شامل روس‌ها و ملل اسلاو و دولت‌های اردوگاه سابق سوسیالیسم و میلیون‌ها نفر از کسانی که زبان روسی را یاد گرفته‌اند نیز می‌شود. در واقع کسانی که از این کار مهم بهره می‌برند به حدود یک میلیارد نفر می‌رسند.

#### □ ترجمه‌های روسی معانی قرآن کریم

پس از این مقدمه، شاید عجیب به نظر آید که بگوییم قرآن کریم در گذشته نه بار به زبان روسی ترجمه شده است. شاید کمتر زبان بیگانه‌ای را پیدا کنیم که مانند زبان روسی، قرآن بارها به آن زبان ترجمه شده باشد. این فراوانی ترجمه‌ها مربوط به تاریخ و جغرافیای روسیه است؛ زیرا روسیه از نظر پیوستگی با سرزمین‌های اسلامی از شرق و جنوب، از تمام کشورهای اروپایی پیش‌تر است، و مدت‌ها حاکمان مسلمان در سرزمین روسیه حکومت کرده‌اند، و طبیعی است که روسیه چه به صورت صلح و چه به صورت جنگ، روابط

گسترده‌ای با مسلمانان داشته باشد. همین امر نیز سبب شده است که روس‌ها از دیر باز به بررسی اسلام علاقه پیدا کنند.

نخستین تصوراتی که روس‌ها از جهان اسلام پیدا کردند، مربوط به قرن دهم میلادی و از رهگذر منابع بیزانسی بود که در آنها تصویرهای آشفته و گوناگونی از جهان اسلام به دست داده شده است. این تصورات را جهانگردان، بازرگانان، نمایندگان سیاسی و حجاجی که به سرزمین‌های ما سفر کردند تکمیل نمودند و اطلاعات دقیق‌تر و مطمئن‌تری در اختیار آنان گذاشتند.

می‌دانیم که رهایی روسیه از حکومت زرین اسلامی حاصل وحدت اقوام روس بود که باعث پیشروی آنان در شرق و جنوب اسلامی گردید، به گونه‌ای که امپراتوری روس از قرن پانزدهم به بعد سرزمین‌های وسیعی از اراضی اسلامی را تصرف کرد. مردم این سرزمین‌ها قسمت مهمی از ساکنان روسیه قیصری را تشکیل می‌دادند؛ همان تشکیلاتی که **لنین** از آن به «زندان ملت‌ها» تعبیر کرده است. این همان چیزی بود که روس‌ها را وادار کرد که به عنوان یک ضرورت حکومتی با قرآن کریم بیشتر آشنا شوند و روابط خود را با دولت‌های اسلامی توسعه و عمق بیشتری بخشند؛ و این بعد از آن بود که روسیه پس از پتر کبیر به مصاف دولت‌های بزرگ اروپایی رفت و سرانجام تلاش کرد که پس از فروپاشی دولت عثمانی، در تقسیم ترکه این «مرد بیمار» شرکت کند. به دنبال آن، مدارس روسی در کشورهای اسلامی فلسطین و سوریه و لبنان تأسیس شد، و روابط خاصی به وجود آمد که باعث اهمیت دادن آنها به اسلام و مسلمین و افتتاح آموزشگاه‌های شرقی و به خصوص عربی در دانشگاه‌ها و اهتمام به ترجمه مکرر قرآن کریم به زبان روسی گردید.

اکنون مراحل مهمی را که تاریخ بررسی‌های اسلامی در روسیه و ترجمه معانی قرآن کریم داشته در زیر بیان می‌کنیم.<sup>۱</sup> در خلال قرون پانزدهم تا هفدهم میلادی تلاش‌هایی برای ترجمه قرآن به زبان بلوروسی جهت تاتارهای مسلمان که زبان اصلی خود را فراموش کرده بودند و به زبان بلوروسی سخن می‌گفتند به عمل آمد. در دانشگاه پترزبورگ نسخه‌هایی خطی از قرآن کریم وجود دارد که به زبان عربی همراه با ترجمه به زبان بلوروسی است و با حروف عربی نوشته شده است.

۱. در این اطلاعات به مقاله‌ای تحت عنوان «قرآن در روسیه» به قلم پتر گریازنویچ استناد می‌کنیم که به زبان عربی در کتابی به نام ایحات جدیدة للمستعربین السوفیت از سوی اکادمی علوم شوروی، هیات تحریریه علوم اجتماعی به تاریخ ۱۹۸۶ در مسکو منتشر شده است، صص ۲۴۹-۲۵۹.

### □ نخستین ترجمه روسی قرآن

پتر کبیر (که در خلال سال‌های ۱۶۸۹-۱۷۲۵ حکومت کرد) مدرسه‌ای جهت آشنایی با زبان‌های شرقی تأسیس کرد، و در عهد او نخستین ترجمه کامل قرآن صورت گرفت که در سال ۱۷۱۶ در پترزبورگ چاپ شد. این ترجمه را دانشمند بزرگ روسی پتر پوسنیکوف انجام داد.

### □ دومین ترجمه

در همان سال (۱۷۱۶)، پس از گذشت چند ماه از انتشار ترجمه پوسنیکوف، ترجمه دیگری از قرآن کریم به زبان روسی انجام گرفت که هرگز منتشر نشد و نسخه خطی آن در آغاز قرن بیستم به دست آمد.

در سال ۱۷۸۷ چاپخانه آکادمی علوم در پترزبورگ متن عربی قرآن را به صورت کامل چاپ کرد که از لحاظ دقت و زیبایی بر تمام چاپ‌های دیگر برتری داشت. این قرآن در سال‌های ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۳، ۱۷۹۶ و ۱۷۹۸ نیز تجدید چاپ شد. حروف مخصوص حروفچینی این قرآن در پترزبورگ برای همین منظور ساخته شده بود.

در سال ۱۸۰۰ چاپخانه قازان که کتاب‌های اسلامی را چاپ می‌کرد، به چاپ نسخه‌ای از قرآن مبادرت ورزید، و تا سال ۱۸۵۹ حدود ۸۳۲۰۰ نسخه از قرآن را منتشر ساخت. این چاپ از روی نسخه قبلی بود که در شبه جزیره کریمه و ترکیه و مصر و هندوستان از روی آن نسخه برداری شده بود.

### □ سومین ترجمه

در سال ۱۷۹۰ سومین ترجمه روسی قرآن به قلم ادیب بزرگ روسی میخائیل وروکین (۱۷۲۳-۱۷۹۵) منتشر شد. او مدیر مدارس ابتدایی و متوسطه قازان بود و در این مدارس آموزش زبان‌های شرقی را نیز وارد کرده بود. این ترجمه، نظر ادیبان بزرگ روسی را به زیبایی‌های بلاغی خود جلب کرد، و پوشکین قصیده معروف خود درباره قرآن را بر اساس آن نوشت و ۲۳ آیه از قرآن را در آن به شعر درآورد.

### □ چهارمین ترجمه

در سال ۱۷۹۲، در شهر پترزبورگ، چهارمین ترجمه قرآن به زبان روسی منتشر شد که

کار الکسی کلماکوف بود.

#### □ پنجمین ترجمه

در سال ۱۸۶۴، ترجمه ایوان نیکلایف منتشر شد. این ترجمه در طول قرن نوزدهم رواج بسیار داشت و طی نیم قرن، پنج بار تجدید چاپ شد (سال‌های ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۷۶، ۱۸۸۰، ۱۹۰۱).

#### □ ششمین ترجمه

در سال ۱۸۷۱، ترجمه دمتری بوگوسلاوسکی (۱۸۲۶ - ۱۸۹۳) که مستقیماً از زبان عربی ترجمه شده بود، به انجام رسید. بوگوسلاوسکی دانشمندی بزرگ بود و به خوبی از زبان عربی اطلاع داشت. ترجمه او از لحاظ دقت و سطح ادبی، امتیاز یافت. این ترجمه که تحسین مترجمانی همچون ویکتور روزن و ایگناتی کراچکوفسکی را برانگیخته بود، هرگز چاپ نشد، زیرا ترجمه دیگری که هفتمین ترجمه به شمار می‌آمد به جای آن به چاپ رسید.

#### □ هفتمین ترجمه

این ترجمه در سال ۱۸۷۸ در قازان به قلم گوردی سابلوکوف انتشار یافت. انتشار این ترجمه سبب شد که ترجمه بوگوسلاوسکی چاپ نشود. سابلوکوف قرآن را از روی متن عربی آن ترجمه کرد. او سالیان دراز از زندگی خود را در راه انجام این کار بزرگ صرف کرد و در هفتاد و چهار سالگی از آن فارغ شد. این ترجمه که پس از درگذشت او در سال‌های ۱۸۹۴ و ۱۹۰۷ تجدید چاپ شد از بهترین ترجمه‌های چاپ شده قرآن به زبان روسی است. در سال ۱۹۰۵، چاپ مصوری از مصحف معروف سمرقند که به خط کوفی نوشته شده بود و مشهور به مصحف عثمان بود، منتشر شد.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، تحقیقات مهمی از سوی عرب‌شناسان روسی درباره اسلام و قرآن به عمل آمد؛ از جمله این افراد ویکتور روزن، وینالی گیرگاس، واسیلی بارتولد، ایگناتی کراچکوفسکی، الکساندر اشمیت، آگافانگل کریمسکی و دیگران بودند؛ و در پترزبورگ، قازان، ارنبورگ، باکو، تفلیس، تمیرخان، شورا، باغچه‌سرای و تاشکند چاپخانه‌هایی وجود داشت که از حروف عربی استفاده می‌کردند. در سال ۱۹۱۱، موسی پیگف

قرآن را به زبان تاتاری ترجمه کرد که به علت مخالفت علمای مسلمان چاپ نشد، ولی بعدها در سال ۱۹۱۴ به وسیله محمد کامل تحفة الله همراه با متن عربی قرآن چاپ شد. از آن به بعد قرآن به طور مکرر با حروف عربی چاپ شد، که از جمله آنها قرآنی بود که در شهر اوفاد در سال‌های ۱۹۲۷، ۱۹۵۶ به چاپ رسید، و نیز قرآنی که در تاشکند در سال ۱۹۶۰ چاپ شد.

از اوایل قرن بیستم کارهای **ایگناتی کراچکوفسکی** درباره قرآن شروع شد. او در سال ۱۹۱۱ مقاله‌ای درباره تصحیح قرائت کلمه «برأ» در چاپ فلوگل که در سال ۱۸۵۸ در لایپزیک به چاپ رسیده بود منتشر کرد، و در سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ نخستین سخنرانی خود را درباره قرآن در دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه پترزبورگ ایراد کرد. در سال‌های ۱۹۲۲-۱۹۲۵ نیز تحقیقات خود را که مربوط به تاریخ ترجمه‌های قرآن در قرن‌های ۱۵-۱۷ به زبان بلوروسی و لهستانی در میان تاتارهای لیتوانی بود، منتشر ساخت.

در سال ۱۹۲۰ مقاله **کراچکوفسکی** درباره واژه «نجم» در قرآن، منتشر شد. وی در سال‌های ۱۹۲۴ و ۱۹۴۰ بحث‌هایی را درباره ترجمه‌های ناشناخته که **بوگوسلاوسکی** آن را انجام داده بود منتشر ساخت.

در سال ۱۹۱۹، **کراچکوفسکی** از تهیه یک ترجمه روسی از کل قرآن خبر داد، و در پاییز سال ۱۹۲۱ آن را شروع کرد، و سلسله سخنرانی‌هایی را درباره قرآن ایراد نمود که تا پایان عمرش ادامه داشت.

در سال ۱۹۳۰ و پس از نه سال از آغاز کار، **کراچکوفسکی** ترجمه‌ای از قرآن کریم را انجام داد و سپس به مراجعه و تصحیح آن پرداخت و بقیه عمرش را بر سر آن صرف کرد.

□ **هشتمین ترجمه**  
در سال ۱۹۶۲ ترجمه **ایگناتی کراچکوفسکی** منتشر گردید.

□ **نهمین ترجمه**

در سال ۱۹۹۷، چاپ سوم ترجمه **پوروخووا** منتشر شد. البته ما از چاپ اول آن اطلاع دقیقی در اختیار نداریم.

از آن جا که ارتباط من با جریان فرهنگی در روسیه برقرار نیست، آگاهی من درباره رواج یا چاپ و نشر این ترجمه، منحصر به مطالبی است که اداره اوقاف و شئون اسلامی دبی آن را

منتشر کرده و در شماره پنجم مجله الاتحاد (۱۹۹۷/۷/۱۷) در ابوظبی چاپ شده است. سپس مقاله‌ای را خواندم که پس از آن به وسیله احمد الخمیسی خبرنگار مجله الاتحاد در مسکو تهیه شده بود و در تاریخ جمعه ۸ اوت ۱۹۹۷ با عنوان «ترجمه معانی قرآن، سودجویی یا انجام رسالت؟ پوروخووا از اوقاف صدهزار دلار می‌خواهد» به چاپ رسیده بود. در این مقاله نظرات گروهی از دانشمندان متخصص در زبان‌های عربی و روسی منعکس شده است که همگی از این ترجمه انتقاد کرده و از جمله گفته‌اند: پوروخووا این ترجمه را از روی ترجمه انگلیسی انجام داده و نه عربی، و در آن شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد او تسلط کاملی به زبان انگلیسی و روسی هم نداشته است.

بعضی از منتقدان این ترجمه گفته‌اند: «این ترجمه با قرآن کریم مطابقت ندارد»، و بعضی گفته‌اند: «ترجمه مطابق اصل نیست و پر از خطاها و لغزش‌هاست و به صورت ترجمه رکبیک شعری است، به خصوص این‌که پوروخووا به عنوان یک شاعر شناخته نشده است تا بتواند ترجمه‌ای شعرگونه پدید آورد؛ بگذریم از این‌که ترجمه شعرگونه قرآن روا نیست». در مجله نامبرده نمونه‌هایی از خطاهای فاحشی آورده شده که بعضی از دانشمندان آنها را در مورد این ترجمه مطرح کرده‌اند، و بعضی از آنان به عبارتی که پوروخووا از **مونتگمری وات** خاورشناس انگلیسی درباره حضرت محمد(ص) نقل کرده و سخنی نکوهش آمیز در شکل مدح است، خرده گرفته‌اند، و یا کار پوروخووا را که خود را مؤلف قلمداد کرده و روی کتاب نوشته است: «جميع حقوق چاپ و نسخه برداری و عکس برداری این چاپ مخصوص مؤلف است»، مورد اشکال قرار داده‌اند. همان‌گونه که موضع مجله ایزویستی را درباره پوروخووا نکوهش کرده‌اند که در مصاحبه‌ای که با او انجام داده، وی را بانوی دوم اسلام پس از خدیجه که به رسول خدا ایمان آورد، معرفی نموده است. به هر حال مجله الاتحاد کار درستی کرده آن‌جا که پرسیده است: آیا ترجمه قرآن کریم منبعی برای سودجویی است یا انجام رسالت است؟ و اما سخنی که بر ضد اداره اوقاف عنوان می‌شود، همان است که در پایان آن مقاله آمده است؛ به این بیان که ترجمه مزبور پس از اظهار نظرهایی که دانشمندان متخصص در این باره کرده‌اند، متروک است. این‌گونه بود که ترجمه مزبور از آغاز پیدایی، مورد ارزیابی علمی قرار گرفت، و آنچه در مجله الاتحاد آمده بود برای نفی این توجه کافی بود، جز این‌که مقاله یاد شده در همان حال ما را برای تحقیق بیشتر برانگیخت، زیرا باور کردن تمام آنچه در آن مقاله آمده بود دشوار می‌نمود؛ تا این‌که چاپ سوم این ترجمه و دو ترجمه **سابلوکوف و کراچکوفسکی** به دست ما رسید. نخستین چیزی که ناگهان با آن روبه رو

شدیم این بود که چاپ سوم ترجمه همان خط‌هایی را که منتقدان به آن اشاره کرده بودند در برداشت، به خصوص درباره‌ی واوهای قسم که در بعضی از سوره‌ها آمده است. این واوها قصه‌ای دارند که خلاصه‌ی آن چنان که در آن مقاله آمده این است: «هر واو قسمی که در قرآن آمده، مانند سوره «الشمس» و «الضحی»، نزد پوروخووا به یک چیز بی‌معنایی تبدیل شده است، زیرا او از انگلیسی ترجمه تحت‌اللفظی کرده و چون معادل واو قسم در انگلیسی In sain of می‌باشد، او با ترجمه تحت‌اللفظی این عبارت به زبان روسی چیزی را نوشته است که به معنای «قسم به آفتاب» نیست، بلکه به معنای «علامتی بر آفتاب» است. این کار نشان دهنده ضعف مترجم در فهم هر دو زبان انگلیسی و روسی است.»

به هر حال چاپ اخیر این ترجمه این گونه تعبیرها را در بر دارد: علامت آفتاب، علامت ماه، علامت روز و علامت شب! همچنین این ترجمه، مقدمه مونتگمری وات را که ناراحتی خوانندگان را برانگیخته است به همراه دارد. از سوی دیگر در صفحه پنجم این چاپ چنین آمده است: «حقوق نقل و چاپ و اقتباس و نشر برای مؤلف محفوظ است.» و در بالای آن نوشته است: این ترجمه از سوی الازهر شریف و با موافقت وزارت شؤون اسلامی و اوقاف دولت امارات عربی متحده به دریافت اجازه نایل شده است.

این موارد سبب شد که ما درباره‌ی این ترجمه و آنچه به عنوان تفسیر در صفحات آن آمده است بررسی بیشتری انجام بدهیم. البته هدف ما دخالت در این کار و اظهار نظر پیرامون همه موضوعات نیست، چون وقتی موضوع از چهارچوب علمی خود خارج شود، به نوعی به ستیزه و درگیری‌های لفظی تبدیل می‌شود که هیچ کس از آن پیروز بیرون نمی‌آید. از چیزهایی که ما را از این کار منصرف می‌کرد، پرسش ما درباره‌ی مشروعیت این ترجمه و طبعاً مشروعیت نقد آن بود؛ زیرا کسی که عربی را نمی‌داند، چگونه به خود حق می‌دهد که معانی قرآن را ترجمه کند و حتی خودش را به عنوان مؤلف جا بزند؟! همین قدر می‌گوییم که این ترجمه جهتی جز جهت علمی دارد و به دنبال هدفی است که مجله الاتحاد آن را کشف کرده است.

یکی دیگر از چیزهایی که ما را از بررسی این ترجمه منصرف می‌کرد، حاشیه‌های فراوان و عجیبی بود که به عنوان تفسیر در این ترجمه آمده و در آن نام تعدادی از متفکران و فلاسفه اروپایی ذکر شده است؛ در صورتی که کتاب خدا از این گونه سخن‌ها بی‌نیاز است. یکی دیگر از عوامل بررسی نیز، توجه عموم نسبت به این ترجمه بود.

ولی عوامل دیگری وجود داشت که ما را به مشارکت و ادار می‌کرد، زیرا پیش از هر چیز



این کار مربوط به کتاب خداست، و دیگر این که این ترجمه در شهر دمشق چاپ شده است... مهم تر این که این ترجمه موافقت الازهر شریف را با خود دارد. اخیراً مقرر شد که در دانشگاه آل البیت، کنگره ترجمه های قرآن کریم به زبان های بیگانه منعقد شود، و این دانشگاه صاحب این ترجمه را موظف نمود که مقاله ای درباره ترجمه های قرآن به زبان روسی و به خصوص ترجمه اخیر بنویسد، چون این ترجمه به طور وسیعی منتشر شده و نشانگر واقعیت های موجود در ترجمه های قرآن به زبان روسی است. آری به خاطر این عوامل بود که هر گونه تردیدی از میان رفت.

از آن جا که این کار، کاری بس مهم است و پیش از ما نیز انتقاد کنندگان نظرات خود را درباره ترجمه بعضی از سوره های قرآن ابراز داشته اند، ما ترجیح دادیم که ده سوره اول قرآن را از فاتحه و بقره تا پایان سوره یونس در این ترجمه بررسی کنیم و نظر خود را ارائه دهیم، بدان امید که دیگران توفیق یابند که این کار را تا پایان قرآن انجام دهند و نظر نهایی خود را درباره این موضوع مهم ابراز دارند.

بررسی های ما در ارتباط با آنچه از این ترجمه خوانده ایم در چند بخش خلاصه می شود:

۱- بخش هایی از آیات قرآنی ترجمه نشده است. از جمله:

- پایان آیه ۱۸۶ سوره آل عمران: *وان تصبروا و تتقوا فان ذلك من عزم الامور.*

- پایان آیه ۱۲ سوره نساء: *غير مضار وصية من الله و الله علیم حلیم.*

- وسط آیه ۵۴ سوره مائده: *يجاهدون*

*فی سبیل الله.*

- در آیه ۶۰ سوره توبه یکی از موارد

مصرف زکات را حذف کرده و این در ضمن

تصرفی است که در متن به عمل

آورده، به این صورت:

آیه شریفه می فرماید: «انما

الصدقات للفقراء و المساکین و

العاملین علیها و المؤلفة قلوبهم و

فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل

الله و ابن السبیل فريضة من الله و الله

علیم حکیم».

مترجم یاد شده آیه را چنین ترجمه کرده است:

«صدقات فقط برای فقراست و آنان که نیازمندند و برای کسانی که بر تحصیل آن اشراف دارند و آنان که دل‌هایشان میل (به اسلام) دارد و برای آزاد ساختن (اسیران و بردگان) از بندگی (و برای کسانی که مفلس شده‌اند و نیاز شدیدی دارند) و کسانی که از راه دور آمده‌اند. اینها فریضه خداوند است و خداوند دانا به هر چیزی و حکیم است.»

در این آیه «و فی

سبیل الله» ترجمه

نشده است؛ اما

کراچکوفسکی آیه را

به دقت ترجمه کرده است.

- آخر آیه ۱۰۱ سوره

توبه: «ثم یردون الی عذاب

عظیم» ترجمه نشده است.

- آخر آیه ۵۴ سوره

یونس: «وقضی بینهم

بالقسط وهم لا یظلمون» ترجمه نشده است.

خوب است اشاره کنیم که همه این موارد که ترجمه نشده، در دو ترجمه سابلوکوف و

کراچکوفسکی ترجمه شده است.

۲- خواننده ملاحظه می‌کند که مترجم بعضی از آیات را مطابق میل خود ترجمه کرده

است، و می‌توانیم بگوییم که بعضی از آیات در مسیر معینی قرار گرفته‌اند، از جمله آیه ۴۳

سوره مائده که می‌فرماید: **وکیف**

**یحکمونک و عندهم التوراة فیها حکم**

**الله؛** که به این صورت ترجمه شده

است: آنان چگونه تو را داور تعیین می‌کنند در حالی که تورات که همان حکم خداست، نزد

ایشان است!؟

همچنین در آیه ۱۲۷ سوره اعراف

چنین می‌خوانیم: **قال سنقتل ابناء هم و**

نستحیی نساءهم وانا فوقهم قاهرون.

این آیات چنین ترجمه شده است: فرعون (به آنان) پاسخ داد که «به زودی همه پسرانی را که نزدشان است می کشیم و جز دختران را زنده نمی گذاریم و در این صورت بر آنان غلبه خواهیم کرد.»

آن گاه مترجم به عنوان تفسیر ترجمه، از سفر خروج، باب اول ۱۵-۲۲ این جملات را نقل می کند:

«و پادشاه مصر به قابله‌های عبرانی که یکی را شفره و دیگری را فوعه نام بود امر کرد. گفت چون قابله‌گری برای زنان عبرانی بکنید و بر سنگ‌ها نگاه کنید اگر پسر باشد او را بکشید و اگر دختر بود زنده بماند. لکن قابله‌ها از خدا ترسیدند و آنچه پادشاه مصر بدیشان فرموده بود نکردند بلکه پسران را زنده گذاردند ... و فرعون قوم خود را امر کرده گفت هر پرسی که زاییده شود به نهر اندازید و هر دختر را زنده نگهدارید.»

- در بعضی از موارد، آیات به گونه‌ای ترجمه شده که حرارت متن قرآنی را از بین برده و روح مطلب را از آن گرفته است. مثلاً در آیات ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳ از سوره بقره صدای حق بلند می شود و به قیام برای یاری حق و عدل ندا سر می دهد و کسانی را که مورد تعدی و ستم قرار گرفته‌اند به انتقام فرامی خواند، و همه اینها با این دعوت همراه است که حدود حق و عدل رعایت شود: «از حد خود تجاوز نکنید»، «فتنه شدیدتر از قتل است»، «اگر باز ایستادند خداوند آمرزنده و مهربان است»، «تعدی جز برستمکاران روا نیست».

متن آیات چنین است:

و قاتلوا فی سبیل الله الذین  
یقاتلونکم ولا تعدوا ان الله  
لا یحب المعتدین (۱۹۰) و  
اقتلوهم حیث ثقتموهم  
واخرجوهم من حیث  
اخرجوکم والفتنة اشد من القتل  
ولا تقاتلوهم عند المسجد  
الحرام حتی یقاتلوکم فیه فان  
قاتلوکم فاقتلوهم كذلك جزاء  
الکافرین (۱۹۱) فان انتهوا فان الله  
غفور رحیم (۱۹۲) وقاتلوهم

حتى لا تكون فتنة ويكون الدين  
لله فان انتهوا فلا عدوان الا على  
الظالمين (۹۳).

این ندای الهی، نزد  
مترجم به صورت یک پند  
معمولی که به کودک داده  
می‌شود در آمده است.  
مترجم، ضمیرهای جمع را به

مفرد ترجمه کرده و فعل امر «قاتل» و مشتقات آن را در مواردی نادیده گرفته و در برابر آنها  
واژه‌ای را به کار گرفته که در زبان عربی به «نضال» (ستیز) قابل ترجمه است.  
مترجم می‌گوید:

«در راه خدا فقط با کسانی که با تو در ستیزند جنگ کن و از آنچه اجازه داده شده تجاوز  
مکن که خدا تجاوزگران را دوست ندارد (این تعبیر دقیقاً از کراچکوفسکی اخذ شده است).  
دشمنان را در آن مکانی که پیدایشان می‌کنی سرکوب کن و آنان را از جایی که تو را اخراج  
کرده‌اند اخراج کن، که ظلم و فتنه بدتر از مرگ است؛ ولی نزد دیوارهای مسجد الحرام ستیزه  
مکن تا دشمنت دست نگه دارد. ولی اگر در این مکان ستیزه با تو را آغاز کرد، او را بکش؛  
سزای کافران این چنین باید باشد. اما اگر دشمن ستیزه با تو را متوقف کرد، پروردگار ما  
آمرزنده و مهربان است. و بر ضد آنان تا این لحظه ستیزه کنید تا فتنه و ستمی نباشد و عدالت و  
ایمان به خدا برتری کند. تا آن گاه که دشمن از ستیزه با شما دست برداشت، اسلحه خود را به  
زمین بگذارید و کسانی را که فتنه‌انگیزی می‌کنند از خود دور کنید».

مترجم چه می‌خواهد بگوید؟ و برای چه خطاب نزد او عوض می‌شود؟ همچنین قرآن با  
همین شیوه و با شدت و تندلی در آیه ۲۴۶ از همین سوره سخن می‌گوید، ولی در ترجمه، این  
شیوه عوض می‌شود:

الم ترالى الملاء من  
بنى اسرائيل من بعد  
موسى اذ قالوا لنبى لهم  
ابعث لنا ملكاً نقاتل فى  
سبيل الله قال هل عسيتم  
ان كتب عليكم القتال الا

تقاتلوا قالوا و مالنا الا نقاتل  
فی سبیل الله و قد اخرجنا  
من ديارنا و ابناءنا فلما كتب  
عليهم القتال تولوا الا قليلا  
منهم والله عليم بالظالمين.  
برای چه در ترجمه  
این آیه باز هم ضمیرهای

جمع به صورت مفرد می آید اما کلمه «قتال» به معنای درست خود بر می گردد و حرارت جمله به یک درجه معمولی بر گردانده می شود و ترجمه به صورت زیر در می آید؟! «آیا تو آن بزرگان ریشه دار بنی اسرائیل را ندیدی، همانان که پس از موسی بودند، هنگامی که به پیامبری که میانشان بود گفتند: به ما پادشاهی بده تا در راه خدا بجنگیم، و او گفت: آیا ممکن است شما هنگامی که برایتان جنگیدن معین شد نجنگید؟ جواب دادند: ما را چه شده است که در راه خدا نجنگیم در حالی که از دیار خود اخراج شده ایم و ما را از پسرانمان دور کرده اند؟! اما هنگامی که برای آنان جنگیدن مقرر شد، جز گروهی از آنان همه پشت کردند، و خدا به خوبی ستمگران را تشخیص می دهد».

چرا دو قطعۀ مشابه با دو روش مختلف ترجمه می شود؟ آیا این همان سیاست دوگانگی معیارها در بیان یک مفهوم قرآنی نیست؟ همین مطلب در چیزی که مترجم آن را تفسیر می داند نیز وجود دارد، و به رغم این که مضمون آن چهار آیه روشن است و نیازی ندارد که ذهن خود را در تدبر معنای آن به زحمت اندازیم، مترجم برای آنها تفسیری بیان می کند که با آن آیات تناسب ندارد، بلکه با آیه ۶۲ سوره احزاب تناسب دارد که می فرماید: «سنة الله فی اللّٰذین خلوا من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلاً». او در حاشیه چنین می آورد:

«همان گونه که در دو سطر اخیر آیه آمده سخن در این جا راجع به حد الهی برای بشر است، همان کسانی که کتاب آسمانی به سوی آنان نازل شده است. سعدبن معاذ فرمانده سپاه محمد [ص] راجع به دشمنان اسلام روشی را به کاربرد که با حد الهی که در کتاب های گذشته [کتاب مقدس] آمده مطابقت دارد (عهد قدیم ۲۲۰، ۱۰، ۱۸) همان گونه که در قرآن (سوره بقره آیات ۱۹۰-۱۹۲) نیز آمده است. در کتاب مقدس چنین می خوانیم: (البته مترجم فقط قسمتی از متن را آورده ولی ما همه آن را می آوریم، همان گونه که آیات قرآنی را به طور کامل آوردیم.)

«چون به شهری نزدیک آبی تا با آن جنگ نمایی آن را برای صلح ندا بکن. و اگر ترا جواب صلح

بدهد و دروازه‌ها را به روی تو بگشاید آنگاه تمامی قومی که در آن یافت شوند به تو جزیه دهند و ترا خدمت نمایند. و اگر با تو صلح نکرده با تو جنگ نمایند پس آن را محاصره کن. و چون یهوه خدایت آن را به دست تو بسپارد جمیع ذکورانشان را بدم شمشیر بکش. لیکن زنان و اطفال و بهایم و آنچه در شهر باشد یعنی تمامی غنیمتش را برای خود به تاراج ببر و غنایم دشمنان خود را که یهوه خدایت به تو دهد بخور. به همه شهرهایی که از تو بسیار دوراند که از شهرهای این امتهای نباشند چنین رفتار نما. اما از شهرهای این امتهایی که یهوه خدایت تو را به ملکیت می‌دهد هیچ ذی نفس را زنده نگذار. بلکه ایشان را یعنی حثیان و اموریان و کنعانیان و فرزیان و حویان و یبوسیان را چنانکه یهوه خدایت ترا امر فرموده است با لکلّ هلاک ساز.»<sup>۱</sup>

تطابق ادعایی مترجم میان متن قرآن (آیات چهارگانه سوره بقره) و متن کتاب مقدس که مترجم در تفسیر آورده چگونه و کجاست؟

۳- مترجم در تفسیر خود به عنوان یک دانشمند ذوفنون خودنمایی می‌کند و نظریات خود را در فقه، تفسیر، تاریخ، فلسفه، زبان‌های باستانی و غیر آن ابراز می‌نماید، ولی خواننده ملاحظه می‌کند که او در بعضی از موارد حقیقت را به طور کامل منعکس نمی‌کند. او در آغاز مقدمه خود که به زبان روسی است از جمع‌آوری قرآن در عهد عثمان سخن می‌گوید و این که عثمان نسخه‌های مورد اعتماد خود را به چهار سمت زمین فرستاد: به شرق (بابل، ایران و فارس)، به غرب (مصر، وادی نیل)، به شمال (بلاد شام، سوریه، لبنان و اردن)، به جنوب (یمن و سواحل افریقا در مجاورت یمن). در این جا چگونه است که نامی از فلسطین که در بلاد شام است برده نمی‌شود؟!

پس از آن، مطلبی را می‌خوانیم که مفتی روسیه را برای دادن تذکر برانگیخته و چنان که در مجله الاتحاد آمده، او نامه‌ای به الازهر شریف نگاشته و در آن تأیید یا تکذیب ادعای پوروخووا را مبنی بر این که الازهر ترجمه او را تأیید کرده درخواست نموده است. آن مطلب این است:

«آگاهی اروپاییان درباره محمد [ص] در خلال یک قرن و نیم راهی طولانی پیموده است. آنان نظر داده‌اند که محمد [ص] یک معلم کذاب بود که از سوی شیطان به او وحی می‌شد؛ و این در پی کوشش‌هایی بود که مذهب او را به عنوان مذهب دوم در مقایسه با یهودیت و مسیحیت قلمداد می‌کرد، و حتی دین اسلام را در نبرد با یهودیت و مسیحیت معرفی می‌نمود.»

۱. عهد قدیم، سفر تثنیه، باب بیستم، شماره‌های ۱۰-۱۸ این متن را از ترجمه فارسی کتاب مقدس آوردیم. مترجم

این جهت گیری در برابر حضرت محمد [ص] به صورت های گوناگون در ترجمه تکرار شده است. از جمله این که از پیامبر اسلام همه جا به عنوان محمد یاد می شود، در حالی که اهل تحقیق می دانند که این نوع نام بردن از پیامبر در ادبیات اروپایی از روی عمد بوده و به همین سبب **کراچکوفسکی** این شیوه را به کار نبرده مگر در استشهادهایی که از مصادر اروپایی داشته که طبعاً مطابق با یک شیوه علمی است، و او در غیر این موارد نامگذاری صحیح قرآنی محمد را به کار می برد. و این چیزی نیست که بر **پوروخووا** پنهان باشد، چون او به ترجمه **کراچکوفسکی** عنایت دارد.

نیز مترجم - چنان که به زودی خواهیم دید - اصرار دارد که کلمه «مسلم» را از حضرت ابراهیم و فرزندان او دور کند. او هر چه در توان دارد به عمل می آورد تا میان ابراهیم و محمد [ص] جدایی بیندازد، هر چند این کار به تحریف ترجمه کشیده شود. در آیه ۶۸ از سوره آل عمران چنین آمده است: «**انّ اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین آمنوا**»، و **سابلوکوف** و **کراچکوفسکی** این آیه را بر این اساس ترجمه کرده اند که او در «و هذا النبی» و او عطف است، ولی **پوروخووا** به این شکل ترجمه می کند:

«میان مردم کسانی طبعاً به ابراهیم نزدیک ترند، و آنان کسانی هستند که از او پیروی نموده اند، مانند این پیامبر و کسانی که با او به خدا ایمان آورده اند.»

و در آیه ۹۲ از سوره مائده چنین می خوانیم: «**واطیعوا الله و اطیعوا الرسول**»، **سابلوکوف** و **کراچکوفسکی** کلمه «اطیعوا» را دوبار ترجمه کرده اند (همان گونه که در آیه دو بار آمده)، ولی **پوروخووا** چنین ترجمه می کند: و این چنین خدا و پیامبر را اطاعت کنید.

آنچه در ترجمه **پوروخووا** روشن است این است که وقتی از ترجمه **کراچکوفسکی** نقل می کند سعی دارد که مفردات آن را عوض کند و از مترادف آنها استفاده نماید؛ کاری که گاهی به تغییر معنی

کشیده می‌شود. مثلاً در آیه ۳۵ سوره انعام می‌خوانیم: «وان كان كبر عليك اعراضهم»، و آیه چنین تمام می‌شود: «...فلاتكونن من الجاهلین». کراچکوفسکی این آیه را با دقتی علمی که از او سراغ داریم ترجمه می‌کند، ولی در ترجمه پوروخووا چنین می‌خوانیم:

«و اگر تحقیر آنان بر تو گران است... پس (ای محمد) از نادانان مباش.»

همچنین در آیه ۱۴۷ سوره انعام می‌خوانیم: «فان كذبوك»، و در ترجمه تفسیری می‌خوانیم: «(ای محمد) اگر تو را تکذیب کردند».

از موارد عجیب این ترجمه، شرح یا تفسیری است که مترجم درباره داستان زیدبن حارثه که در سوره احزاب وارد شده، آورده است. در این آیه می‌خوانیم: «واذ تقول للذي انعم الله عليه وانعمت عليه امسك عليك زوجك واتق الله وتخفى في نفسك ما الله مبديه وتخشى الناس والله احق ان تخشاه فلما قضى زيد منها وطراً... تا آخر آیه.

مفسران در شرح این آیه بسیار سخن گفته‌اند. از بهترین نوشته‌هایی که در این باره خوانده‌ایم چیزی است که دانشمند اندلسی عبدالرحمن سهیلی (متوفی ۵۸۱) در کتاب خود التعریف والاعلام فی ما ابهم فی القرآن من الاسماء والاعلام<sup>۱</sup> آورده است. او در آن جا از زید به عنوان کسی یاد کرده که خداوند او را از امتیازی برخوردار ساخته که هیچ یک از یاران پیامبر اسلام (ص) را از آن برخوردار نساخته و آن این است که نام او را در قرآن آورده است... پس چگونه است حال کسی که نام او به عنوان قرآن همیشه تلاوت می‌شود و همواره مردم دنیا وقتی قرائت قرآن می‌کنند آن را می‌خوانند و اهل بهشت نیز چنین می‌کنند.

و اما عبدالله یوسف علی (که پوروخووا اطلاع وسیعی از ترجمه او دارد و در تفسیر خود از آن بسیار گرفته است بی آن که به مصدر آن اشاره کند) داستان زینب و زیدبن حارثه را به تفصیل و با یک روحیه درست اسلامی شرح می‌دهد و در زمینه مفهوم «پسرخوانده» و نیز طلاق زینب و ازدواج وی با پیامبر، توضیحاتی گسترده در پاورقی می‌آورد و درباره دیگر همسران پیامبر که زینب دختر جحش یکی از آنان بوده نیز سخن می‌گوید و موضوعات را در همان جایگاه واقعی و انسانی درست قرار می‌دهد. ما به آوردن متن دو حاشیه او در این زمینه اکتفا می‌کنیم:

۱. التعریف والاعلام فی ما ابهم فی القرآن من الاسماء والاعلام، تحقیق عبدالله النقرات، منشورات كلية الدعوة الاسلامية، طرابلس، ۱۹۹۲، ص ۲۵۹.



۳۷۲۴- تمام

حقایق عالم به خدا

بازگشت می‌کند. وقتی یک ازدواج موفق نبود اسلام اجازه می‌دهد که عقد آن فسخ شود مشروط بر این که تمام مصلحت‌های مربوط به آن حفظ گردد. به نظر می‌رسد که در این جا قضیه مهمی نبوده که مورد توجه قرار گیرد. این کار باعث احترام زینب می‌شد و سبب گردید میل قلبی او را تا اندازه زیادی به این معنی جلب کند که مقام او بالا رود تا ام المؤمنین شود با تمام شرافت و مسئولیتی که این مقام دارد.

۳۷۰۶- اکنون به موضوع منزلت همسران پیامبر می‌پردازیم. موقعیت آنان مانند موقعیت زنان یا همسران معمولی نبود، زیرا آنان وظیفه‌ها و مسئولیت‌های ویژه‌ای داشتند. نخستین پیوند پیامبر [ص] در دوران جوانی با خدیجه بود... آن هم بر اساس دو محور که در پیوند های بعدی نیز حاکمیت داشت: ۱- مهربانی و شفقت درباره بیوه‌زنانی که در رنج و مشقت زندگی می‌کردند و امکان این نبود که آنان را در آن موقعیت اجتماعی به نحو دیگری اداره کنند. ۲- کمک به پیامبر در انجام مسئولیت‌های فرماندهی در مورد زنانی که ازدواج با آنان باعث ارشاد و حفظ آنان در خانواده بزرگ اسلامی می‌شد، چون زنان و مردان حقوق اجتماعی نزدیک به هم دارند.

مثلاً عایشه دختر ابوبکر باهوش و درس خوانده بود. او در حدیث در آن قسمت که مربوط به زندگی پیامبر است، مرجع مهمی به شمار می‌رود. یا زینب دختر خزیمه زندگی خود را وقف فقرا کرده بود و به او «مادر فقرا» لقب داده بودند. زینب دوم که دختر جحش بود نیز از دسترنج خودش به فقرا کمک می‌کرد، چون او در کار با پوست مهارت داشت. همه زنان پیامبر با وجود مقام بالایی که داشتند، به عنوان مادران امت همواره کار و مساعدت می‌کردند و زندگی آنان یک زندگی تن‌پرورانه و کسالت‌بار نبود، و آنان مانند کنیزان پادشاهان نبودند که برای لذت جویی خود یا همسرانشان باشند. به همسران پیامبر گفته شده بود که اگر آنان فقط زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند جایی در این خانواده مقدس ندارند و اگر چنین می‌کردند امکان آن بود که پیامبر از آنان جدا شود.

اما پوروخووا که ترجمه یوسف علی را خوانده است - به طوری که در مقدمه یادآوری کرده - در موضوعاتی که اهمیتی کمتر از این دارد، حاشیه‌هایی می‌زند که گاهی از یک صفحه تجاوز می‌کند، ولی جریان زید و زینب جز در یک قطعه کوچک نیامده و جریان از هر

نوع اعتباری خالی است و به قصه‌گویی‌هایی شباهت دارد که پیامبر خدا از آن منزّه است. او در تعلیقه ۱۸۲۹ می‌گوید:

«سخن در این جا دربارهٔ پسر خواندهٔ پیامبر زید بن حارث (!) از نسل حمیری‌هاست. عرب‌ها او را اسیر کردند و محمد [ص] مدت‌ها پیش از بعثت خود او را خرید. رفتارش با او با مهربانی و مانند یکی از پسرانش بود که محمد [ص] به طور آشکار نزد حجر الاسود به آن قسم خورده بود. وقتی زید به سن ازدواج رسید، محمد [ص] دختر عمهٔ زیبای خود زینب را به همسری او در آورد و مهریهٔ خوبی هم به او داد. این ازدواج هشت سال پیش از هجرت در مکه اتفاق افتاد و بعدها معلوم شد که این ازدواج بسیار نامناسب بوده است. به زینب که به طبقهٔ برتری از اریستوکراسی مکه تعلق داشت، با چشم حقارت می‌نگریستند، چون همسر یک بردهٔ سابق بود که پسر عمویش او را خریده بود. از این گذشته قیافهٔ شوهرش که از هرگونه زیبایی خالی بود با او برابری نمی‌کرد. این بود که زینب خیلی زود، مایل به طلاق شد، چون وضع حقارت آمیز او باعث اهانت زینب بود. پیامبر از او خواست که درنگ کند (سطر سوم از اشعار [در ترجمهٔ پوروخووا]) تا این ازدواج که سال‌ها ادامه یافته بود باعث حرف و حدیث مردم نباشد، ولی ازدواج امری زمینی است؛ و از چیزهایی که با رحمت خدا منافات دارد این است که مردم را به تحمل رنج‌های یک پیوند نامناسب وادار کنی؛ پیوندی که انتظار آن می‌رفت که رضایت و خوشبختی را فراهم آورد.»

احساس نیرومندی که در زینب آشکار شد و احساس متقابل زید در این باره، سرنوشت این ازدواج ناموفق را تعیین کرد. منزّه است خدایی که با ارادهٔ خود دل‌ها را عوض می‌کند.<sup>۴</sup> از مهم‌ترین چیزهایی که به طور ثابت در این ترجمه دیده می‌شود و مترجم به آن ملتزم بوده این است که او هیچ‌گاه واژهٔ «اسلام» را به اسلام، و واژهٔ «مسلمین» را به مسلمین ترجمه

نکرده و این در حالی است که او در مقدمه ترجمه‌اش این مزه را داده که این ترجمه نخستین ترجمه‌ای است که به قلم یک مسلمان و با دلی مؤمن به قداست و عظمت اسلام انجام گرفته است.

آری او در ترجمه خود چنین روشی را دنبال نموده، مگر در مواردی که چاره‌ای جز آن نبوده است. البته در این موارد هم سعی کرده است برای خود راهی بیابد. طبیعی است که با چنین روش ثابتی که حاکم بر این ترجمه است، ترجمه مورد نظر از آنچه دیگر ترجمه‌ها بر آن اجماع کرده‌اند بیرون می‌رود؛ ترجمه‌هایی همچون ترجمه یوسف علی، ترجمه امریکایی ایروینگ و ترجمه رشید کساب و ترجمه ترکی و آلبانیایی و فرانسوی (چاپ سوم طبع بیروت) و اردو و هاوسا، که آنها را در کتابخانه آل البیت دیده‌ایم.

پیش از آن که این موارد از ترجمه پوروخووا را بررسی کنیم، عذری را که او برای ترجمه نکردن کلمه مسلم به مسلم آورده ذکر می‌کنیم. او در ترجمه آیه ۱۲۸ سوره بقره «وَبِنَا وَأَجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمَنْ ذَرِيَّتَنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ»، این واژه را به تسلیم شونده و اطاعت کننده ترجمه کرده و در پاورقی شماره ۶۰ می‌گوید:

«مسلم در اصل اطاعت کننده خدا و کسی است که خود را به خدا تسلیم کرده و در برابر مشیت خدا خاضع است. در این جا مناسب است که سخنان پیامبر اسلام محمد (ص) را نقل کنیم که فرمود: «هر انسانی مسلمان متولد می‌شود، یعنی در برابر پروردگارش خاضع است، و تنها پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا نصرانی یا مشرک می‌کنند.»

این حدیث در موارد گوناگون تحریف شده است. متن آن به گونه‌ای که در صحیح بخاری آمده چنین است: «حَدَّثَنَا آدَمُ، حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي ذُئْبٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنِ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ (ص) «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَابْوَاهُ يَهُودًا أَوْ يَنْصَرَانَهُ أَوْ يَمَجَّسَانَهُ.» و در صحیح مسلم چنین است: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ إِلَّا يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَابْوَاهُ يَهُودًا أَوْ يَنْصَرَانَهُ وَ يَمَجَّسَانَهُ.»

مترجم، این حدیث را می‌شناسد و به آن استشهاد می‌کند. او دنباله حدیث را نیز که در صحیحین وارد شده است می‌شناسد: **مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلَيْ...**

ترجمه او از واژه اسلام و مسلمین به این صورت است:

— آیه ۱۳۱ سوره بقره: **اذ قال له ربه اسلم قال اسلمت لرب العالمين.**

و به یاد آورید هنگامی را که پروردگارش به او گفت: برای من اخلاص داشته باش و او

گفت به پروردگار جهانیان اخلاص دارم.

— آیه ۱۳۳ سوره بقره: *ونحن له مسلمون.*

و خضوع نمی‌کنیم مگر برای او.

— آیه ۱۳۶ سوره بقره: *لانفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون.*

میان آنان فرقی نمی‌گذاریم و تنها برای او خضوع می‌کنیم.

— آیه ۵۲ سوره آل عمران: *واشهد باننا مسلمون.*

و برای ما گواه باش که ما برای کسی جز او خضوع نمی‌کنیم.

— آیه ۶۴ سوره آل عمران: *فان تولوا فقولوا اشهدوا باننا مسلمون.*

در این صورت گواه باشید که ما همگی برای او خضوع می‌کنیم.

— آیه ۶۷ سوره آل عمران: *ماکان ابراهیم یهودیا ولا نصرانیا ولکن کان حنیفاً مسلماً و ماکان من*

*المشکین.*

ابراهیم نه یهودی و نه یاری دهنده مسیح بود، بلکه او مخلص خدا و در برابر مشیت او خاضع بود، و به عبادت خدایی جز او نیندیشید.

— آیه ۱۰۲ سوره آل عمران: *یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون.*

شما ای کسانی که ایمان می‌آورید و از غضب خدا می‌ترسید، در برابر او چنان که شایسته شماست خضوع کنید، و نمیرید مگر در حالی که به اراده او خضوع کننده هستید.

— آیه ۳ سوره مائده: *الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام*

*دینا.*

ببینید این آیه را

کراچکوفسکی چگونه به

دقت ترجمه کرده است:

ولی پوروخووا آن را چنین ترجمه می‌کند:

امروز برای شما میثاق دین اسلام را کامل

کردم و به مشیت خودم اسلام را برای شما

انتخاب نمودم (خضوع کردن در برابر اراده من).

— آیه ۱۱۱ سوره مائده: *واشهدوا باننا مسلمون.*

و مأمور شدم از جمله کسانی باشم که جان‌های خود را به او فروخته‌اند.

— آیه ۸۴ سوره یونس: ان کنتم مسلمین.

اگر شما با تمام روح، برای خدا خضوع کنید.

۵. یکی از روش‌های ثابتی که در سراسر این ترجمه به چشم می‌خورد این است که فعل «کون» یا ترجمه نشده و یا تحریف شده است. این فعل در اسلام مربوط به امور اعتقادی است و امر خداوند با کاف و نون است. این فعل در زبان روسی موجود است و به صورت صیغه امر نیز به کار می‌رود، و *کراچکوفسکی* با تمام روح علمی و صداقت آکادمیک که دارد از آن استفاده کرده است، ولی *پوروخووا* معنای دیگری برای این فعل می‌آورد تا از آن در ترجمه فعل «کون» کمک بگیرد، مانند:

— آیه ۱۱۷ سوره بقره: و اذا قضی امراً فانما

يقول له کن فیکون.

وقتی کاری را می‌خواهد، می‌گوید: باش، پس ظاهر می‌شود.

— آیه ۴۷ سوره آل عمران: اذا قضی

امراً فانما يقول له کن فیکون.

وقتی کاری را می‌خواهد، می‌گوید: باش، پس ظاهر می‌شود.

— آیه ۷۳ سوره انعام: ویوم یقول

کن فیکون.

روزی که می‌گوید: ظاهر باش،

پس ظاهر می‌شود.

— آیه ۶۵ سوره بقره: فقلنا لهم

کونوا قردة خاسئین.

به آنها گفتیم: به میمون تبدیل شوید در حالی که مطرود و فرا افکنده از سوی بشر و خدا باشید.

۶. از چیزهایی که در ترجمه *پوروخووا* ثابت است، دگرگونی ترتیب «السَّموات والارض»

در آیات قرآنی مطابق با ذوق مترجم است که بیم آن می‌رود که این کار نمود دیگری از شیوه

ترجمه دلخواه متن قرآنی باشد، زیرا نمی‌توان این ترتیب جدید را در «السَّموات والارض»

که تقریباً در تمام آیات به کار رفته تصادفی دانست.

— آیه ۱۲۹ سوره آل عمران: والله ما فی السَّموات وما فی الارض.

تنها خدا مالک هر چیزی است که در زمین و آسمان است.

— آیه ۱۳۱ سوره نساء: **وَلِلَّهِ مَا فِي**

**السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ.**

تنها برای خداست هر چیزی که

در زمین و آسمان است.

و اگر کافر شوید هر آنچه در

زمین و آسمان است در تسلط

خداست.

— آیه ۱۳۲ سوره نساء: **وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ.**

برای خداست همه آنچه در زمین و آسمان است.

— آیه ۱۷ سوره مائده: **وَلِلَّهِ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.**

زمین و آسمان در تسلط خداست.

— آیه ۱۸ سوره مائده: **وَلِلَّهِ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.**

او مالک آسمان و زمین است.

— آیه ۴۰ سوره مائده: **الْم تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ لِمَنْ**

**يَشَاءُ.**

آیا نمی‌دانی که سیطره بر زمین و آسمان به خدا باز می‌گردد؟ هر که را بخواهد عقاب

می‌کند و آن کس را که نزد او ... باشد می‌آمرزد.

— آیه ۹۷ سوره مائده: **يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ.**

آنچه را که بر زمین و آنچه را که در آسمان است می‌داند.

— آیه ۱۲ سوره انعام: **قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.**

بگو: برای چه کسی است هر آنچه در زمین و آسمان است؟

— آیه ۵۴ سوره اعراف: **خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.**

آسمان و زمین را آفرید.

— آیه ۶۶ سوره یونس: **مَنْ**

**فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ.**

همانا خداوند مالک همه

آن چیزی است که بر زمین و در آسمان است.

— آیه ۶۸ سوره یونس: *ما فی السَّموات وما فی الارض.*

همه آنچه که بر زمین و در آسمان‌هاست (کلمه سماء در زبان روسی جمع بسته می‌شود).

این شیوه جدید که در ترجمه مفردات قرآن کریم به کار رفته، واژه‌های دیگری را نیز

شامل می‌شود، مانند:

— آیه ۴۸ سوره آل عمران: *والتوراة والانجیل.*

ترجمه: انجیل و قانون (تورات).

مترجم اصرار دارد به جای کلمه تورات از کلمه قانون استفاده کند. این کلمه به همین

صورت در ترجمه سابلوکوف هم آمده است.

— آیه ۶۹ سوره مائده: *والصابئون والنصارى.*

ترجمه: نصاری و صابئون.

— آیه ۸۲ سوره مائده:

*لتجدنَّ اشدَّ الناس عداوةً*

*للَّذین آمنوا الیهود والذین*

*اشرکوا*

از میان همه مردم کسانی را که بیشتر از همه با مؤمنان دشمن‌اند مشرکان و یهود را

می‌یابی.

— آیه ۹۱ سوره مائده: *... فی الخمر والمیسر.*

ترجمه: در قمار و شراب.

— آیه ۱۱۰ سوره مائده: *... والتوراة والانجیل.*

ترجمه: انجیل و قانون (تورات).

— آیه ۲۵۵ سوره بقره: *لا تأخذہ سنۃ ولا نوم له ما فی السَّموات وما فی الارض.*

او به چرت و خواب میل نمی‌کند، و برای اوست زمین و آسمان.

۷. در ترجمه ده سوره‌ای که برای بررسی انتخاب کردیم، خطاهای بسیاری وجود دارد که

فهم صحیح متن قرآن را مشکل کرده و از جمله آنهاست:

— آیه ۶۱ سوره بقره: *ادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها وقثائها وفومها وعدسها*

*وبصلها.*

از پروردگارت بخواه برای ما سبزی‌هایی که از بالای زمین می‌روید و خیار و پیاز و عدس و سیر برویاند.  
(در ترجمه کراچکوفسکی، ترتیب اسم‌ها با ضمیرهایشان مانند ترتیب خود آیه آمده است).

— آیه ۱۴۹ سوره بقره: **وما الله بغافل عما تعملون.**

خداوند از تصرفات و اعمال تو غافل نمی‌ماند.

— آیه ۱۶۳ سوره بقره: **والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم.**

خدای شما یکی است و خدایی جز الله نیست و او رحمان و رحیم است.

— آیه ۲۱۷ سوره بقره: **والفتنة اكبر من القتل.**

ستمگری و هرج و مرج، بدتر از مرگ است.

— آیه ۲۴۹ سوره بقره: **کم**

**من فتنه قليلة غلبت فتنه كثيرة باذن**

**الله.**

(سابلوکوف و کراچکوفسکی نظم آیه را حفظ کرده و «فتنه» را دوبار آورده‌اند.)

ترجمه: چقدر شده است که گروه کوچکی به اذن خدا بر دشمنانی که تعدادشان زیاد است غلبه کرده‌اند.

— آیه ۲۵۱ سوره بقره: **ولولا دفع**

**الله الناس بعضهم ببعض لفسدت**

**الأرض.**

آری اگر خدا بعضی از قبایل بشری را بالای بعضی دیگر حفظ نکرده بود، زمین با مصیبت پرآشوب می‌شد.

— آیه ۲۵۶ سوره بقره: **لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت ویؤمن بالله**

**فقد استمسک بالعروة الوثقی لانفصام لها والله سمیع علیم.**

او اجازه اکراه در دین را نمی‌دهد. واضح است که چگونه هدایت از گمراهی متفاوت است. هر کس شر را ترک کند و به خدا توجه نماید، همانا برای خود پناهگاه استواری تضمین کرده است که پریشانی در آن نیست. خدا همه چیز را می‌شنود و داناست.

— آیه ۱۹ سوره آل عمران: **ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذین اتوا الكتاب الا من بعد**



ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بآيات الله فإن الله سريع الحساب.

اسلام دین خداست و آنان که تابع کتاب مقدس شدند، اختلاف نکردند؛ و اختلاف وقتی متولد شد که معرفت و حسد به وجود آمد. و هر کس به آیات خدا ایمان نیاورد خدا در خواهش او درنگ نخواهد کرد و زود پاسخ خواهد داد.

— آیه ۷۵ سوره آل عمران: و من

اهل الكتاب من ان تأمنه بظنار يؤده

اليك ومنهم من ان تأمنه بدینار لا يؤده

اليك الا مادمت عليه قائما ذلك بأنهم

قالوا ليس علينا في الأميين سبيل

ويقولون على الله الكذب وهم يعلمون.

و در میان اهل کتاب کسانی

یافت می شوند که اگر آنان را بر قطعه‌هایی از طلا امین قرار دهی، آن را به آسانی به تو بر می گردانند؛ و از میان آنان کسانی نیز یافت می شوند که اگر آنان را فقط بر یک قطعه نقره امین قرار دهی آن را به تو بر نمی گردانند مگر با کوشش بسیار، و آنان نزد شما اعلام می کنند که ما هیچ گونه انگیزه‌ای بر این نداریم که در مقابل نادانان امانتدار باشیم، و در این جا و از روی آگاهی نسبت دروغ به خدا می دهند.

— آیه ۸۷ سوره آل عمران: ... والناس اجمعين.

ترجمه: ... و مردم با ایمان.

— آیه ۱۱۰ سوره آل عمران: كنتم خير امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن

المنكر.

و شما از همه ملت‌هایی که در

میان اجناس و در همه زمان‌ها

ظاهر شده‌اند بهترین آنها خواهید

بود؛ شما هستید که با تمام روحان

به خدا ایمان آورده‌اید و به نیکویی فرمان داده‌اید و شر را حرام دانسته‌اید.

— آیه ۱۳۴ سوره آل عمران: الذين ينفقون في السراء والضراء والكاظمين الغيظ والعافين عن

الناس.

کسانی که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند، و آنان که در حال خوردن خشم خود از مردم در می‌گذرند. (ملاحظه کنید که کاظمین الغیظ رابه صورت حال معنی کرده است، مانند آیه زیر):

— آیه ۱۴ سوره نساء: *ومن بعض الله ورسوله ويتعدّ حدوده.*

ولی کسی که خدا و پیامبرش را معصیت می‌کند در حالی که تجاوز کننده از حدود اوست...

— آیه ۱۳۷ سوره آل عمران: *قد خلت من قبلکم سنن.*

چه زیاد است حوادثی که باعث موعظه است که پیش از شما وجود خاکی با آن زندگی کرده است.

— آیه ۱۷۵ سوره آل عمران: *انما ذلکم الشیطان یخوف اولیاءه فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین.*

شیطان به تنهایی شما را وادار می‌کند که از نزدیکان بترسید. از آنها نترسید و فقط از من بترسید اگر خضوع می‌کنید و ایمان می‌آورید.

— آیه ۳۱ سوره نساء: *ان تجتنبوا کبائر ماتنهن عنہ نکفر عنکم سیئاتکم وندخلکم مدخلا کریما.*

ولی اگر از خطاهایی که از آنها منع شدید اجتناب کنید شما را از هر چه بد است آزاد می‌کنیم و شما را به درهای ارزشمند (عدن) وارد می‌کنیم.

— آیه ۳۴ سوره نساء: *واهجروهن فی المضاجع واضربوهن.*

*کراچکوفسکی* این آیه را با یک دقت علمی ترجمه کرده ولی ترجمه پوروخووا چنین است: در بسترها از آنها دوری کنید (عیناً از *سابلوکوف* گرفته شده) (و اگر این کار سودی نداد) شما می‌توانید آنها را (به آرامی) بزنید.

— آیه ۱۶۲ سوره نساء: *لکن الرا سخون فی العلم منهم والمؤمنون يؤمنون بما انزل الیک.*

ولی نسبت به آن کسانی که در میان آنها هستند و علوم عمیقی دارند و به این کسانی که به آنچه بر تو نازل شده ایمان آورده‌اند...

ملاحظه کنید که این خطای واضح عیناً از ترجمه *سابلوکوف* گرفته شده است.

— آیه ۵۷ سوره مائده: *یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا ولعبا من الذین*

*اوتوا الکتاب من قبلکم والکفار اولیاء.*

ترجمه قرآن کریم به زبان روسی... □ ۷۷

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دوستان خود نگیرید کسانی را که به عقیده شما به دیده استهزا و مسخره می‌نگرند و نه آنان را که پیش از شما کتاب داده شده‌اند و نه کافران را. (خطا در این ترجمه نیز از سابلوکوف گرفته شده است).

— آیه ۶۵ سوره انعام: *انظر كيف نصرف الايات لعلهم يفقهون.*

بنگر که چگونه آیات را با راه‌های مختلف برای آنان تفسیر می‌کنیم سپس آنان بعد از این حیرت زده هستند.

— آیه ۴۳ سوره اعراف: *ونزعنا ما في صدورهم من غل تجرى من تحتهم الانهار وقالوا الحمد لله*

*الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله.*

به زودی کینه را از دل‌هایشان بر می‌داریم، و به زودی نهرها از قدم‌های آنان پر می‌شود، و به زودی خواهند گفت: سپاس خدا را که ما را به سوی این بیرون آورد، ما نمی‌توانستیم خودمان به سوی این مکان خارج شویم اگر خدا ما را به سوی آن خارج نمی‌کرد.

— آیه ۱۲۸ سوره اعراف: *ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين.*

زمین، همه در سلطه خداست و آن را به ارث می‌گذارد برای این خدمتکاران خود، برای هر کسی که مشیت او بخواهد.

مترجم «والعاقبة للمتقين» را به این صورت ترجمه کرده است: اما (پایان جاده) زندگی به سود اینان است که (از روی رغبت از غضب خدا می‌ترسند و) ملتزم تقوا هستند.

در حالی که کراچکوفسکی آیه را این گونه ترجمه نموده است: زمین از آن خداست، آن را برای هر کس از بندگان که بخواهد به ارث می‌گذارد و سرانجام از آن پرهیزگاران است.

— آیه ۱۷۳ سوره اعراف: *افتهلكنا بما فعل المبطلون.*

در این صورت آیا شایسته است که ما را هلاک کنی به سبب (خطایی) که پیشینیان ما بدون فکر مرتکب شده‌اند؟

— آیه ۱۷ سوره انفال: (نام این سوره را به سوره غنایم جنگی ترجمه کرده است) و ما رمیت

*اذ رميت ولكن الله رمى.*

وقتی تو (مشتی خاک) انداختی، تو نینداختی بلکه خدا انداخت.

— آیه ۳۹ سوره انفال: *وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين كله لله فان انتهوا فان الله بما*

*يعملون بصير.*

ترجمه کراچکوفسکی: با آنان بجنگید تا فتنه‌ای نباشد و دین، همه برای خدا باشد؛ و اگر

باز ایستادند، پس خدا آنچه را که انجام می دهند می بیند.

ترجمه پوروخووا: با آنان وارد مبارزه شوید تا آن لحظه ای که در این جا آشوبی و ستمی نباشد و عدالت و ایمان به خدا حکومت کند، ولی اگر خودشان را حفظ کردند... (خدا آنان را می بخشد) که او آنچه را که می کنند می بیند.

— آیه ۵۵ سوره انفال: *ان شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ.*

میان تمام مخلوقات زمین که در دست راست خدا قرار دارند، بدترینشان کسانی هستند که به هدایت خدا کافر می شوند و به حقیقت آن ایمان نمی آورند.

— آیه ۵۸ سوره انفال: *وَأَمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ.*

ترجمه کراچکوفسکی: و اگر از خیانت گروهی ترسیدی، پیمان آنان را بر اساس عدل به سویشان بیفکن که خدا خائنان را دوست ندارد.

ترجمه پوروخووا: و اگر از گروهی از لحاظ فریب دادن ترسیدی، تعهدات خود را (بر حسب اتفاق با آنان) بیفکن تا با آنان مساوی باشی که خدا خائنان را دوست ندارد. (این جمله عین ترجمه کراچکوفسکی است.)

— آیه ۲۸ سوره توبه: *أَتَمَّا الْمَشْرُكُونَ نَجِسٌ.*

همانا مشرکان نجس ها هستند.

— آیه ۱۰۸ سوره بقره: *أَمْ تَرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ.*

آیا شما به زودی از پیامبرتان همان را خواهید پرسید که پیش از این از موسی پرسیدید؟!

آیه ۱۴۸ سوره بقره: *وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ لَهَا مَوْلِيهَا.*

هر کسی در این زندگی وجهه خاصی دارد که خدا آن را برای او تعیین کرده و همان است که (در نماز خود) به سوی آن متوجه می شود.



ترجمه پوروخووا امثال چنین متونی را برای کسی که نمونه های بیشتری بخواهد، با سخاوت تقدیم می کند! چیزی که مایه تأسف است این است که خطاها و چیزهایی که در این ترجمه افزوده شده از روی عمد است، و مترجم متن جدیدی از یک زبان بیگانه نیاورده بلکه در ترجمه های آماده تصرف کرده، و راهی را پیموده که تجربه های دانشمندان بزرگ آن را هموار ساخته است؛ دانشمندانی که سالیان دراز از عمر خود را در آموختن زبان عربی و نوشتن به این زبان و ترجمه از آن صرف کرده اند. آنان دارای روحی علمی بودند و همین

امرانان را از خطا و اشتباه حفظ می‌کرد، مگر در مواردی که عمدی نبود. ترجمه کراچکوفسکی بهترین مثال برای این مطلب است. این مرد، معانی قرآن کریم را با روحی بلند و به صورتی دقیق ترجمه کرده و ترجمه‌ای ارائه داده است که در میان ترجمه‌های قرآن به زبان‌های بیگانه، کمتر ترجمه‌ای را به دقت آن می‌توان پیدا کرد. او در این ترجمه حاشیه‌هایی دارد که بیشتر از حاشیه‌های پوروخوواست، اما خود را به عنوان «مؤلف» قلمداد نکرده و گمان می‌کنم که هرگز به این موضوع فکر نکرده است. به گفته دکتر احمد الخمیس در مقاله خود، ترجمه او در اعماق خود بیانگر سنت‌های اسلامی است، نه به سبب حاشیه‌های خوبی که دارد، بلکه به خاطر روح اخلاصی که در او موجود است.

خانم پوروخووا با ترجمه کراچکوفسکی کار کرده و بر اساس آن پیش رفته است ولی به این واقعیت اعتراف نمی‌کند، بلکه به شدت مایل است که ترجمه‌ای متفاوت با ترجمه کراچکوفسکی ارائه بدهد. او در این راه دو روش را پیش گرفته است: یکی روی آوردن به مترادفات است، زیرا زبان روسی برای لفظ جلاله دو واژه دارد: Бог و Господ و لفظ «الله» Аллах هم به کار می‌رود. در هر جا کراچکوفسکی یکی از این واژه‌ها را به کار برده، پوروخووا آن اسم یا صفت را تبدیل به دیگری کرده است؛ مثلاً در جایی که کراچکوفسکی واژه знати [ملاً] را به کار برده، پوروخووا از واژه Вельможи استفاده کرده است. همچنین تعبیر Ведущий колдун (ساحر علیم) را با Искусный чародей و велик را با могуч، جایگزین کرده است و جایگزینی‌هایی دیگر از این دست. دوم این که کراچکوفسکی با صراحت یک دانشمند، و با صداقت و احترام، متن قرآنی را بررسی کرده و آن را در اساس مطابق با متن عربی آورده است و شرح‌هایی بر آن افزوده که خواننده را در فهم کلی معنی کمک می‌کند؛ و این همان روشی است که عبدالله یوسف علی نیز در پیش گرفته است، ولی پوروخووا که همین روش کراچکوفسکی و یوسف علی را دارد، در شرح‌ها و اضافات خود از حد ترجمه کراچکوفسکی گذشته تا جایی که متن و معنای آن را ضایع کرده است.

قرائت خود از ده سوره اول قرآن را با ذکر سه نمونه که روش ترجمه پوروخووا را روشن می‌کند، به پایان می‌بریم:

— آیه ۱۶۴ سوره بقره: ان فی خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار، والفلك التی تجرى فی البحر بما ینفع الناس وما انزل الله من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها وبث فیها من کل دابة وتصریف الرياح والسحاب المسخر بین السماء والارض لایات لقوم یعقلون.

ترجمه این آیه نزد عبدالله یوسف علی به این صورت است:

و نزد پوروخووا چنین است:

همانا در آفرینش زمین و آسمان و جایگزینی تاریکی های شب به روشنایی روز، و در افلاکی که برای نیازهای بشر دریا را می شکافد، و در آبی که خداوند از آسمان نازل می کند و به وسیله آن زندگی به زمین باز می گردد هنگامی که در مرگ افتاده بود، و در هر جنبنده ای که خدا آن را در زمین پخش کرد، و در حرکت و تغییر بادها که میان آسمان و زمین مانند خدمتگزاری ابرها را جا به جا می کند، به حق در اینها نشانه هایی برای کسانی است که می اندیشند.

روش دوم، همان گونه که اشاره شد، التزام به متن کراچکوفسکی است با عوض کردن بعضی از مفردات و آوردن کلمه مترادف و جا به جا کردن مفردات و اصرار بر این که به منبع اشاره نکند.

— آیه ۱۱۴ سوره مائده: قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائده من السماء تکون لنا عیداً لأولنا و آخرنا و آیه منک وارزقنا و انت خیر الرازقین.

متأسفیم که ناگزیریم ترجمه کراچکوفسکی را نیز بیاوریم:

کراچکوفسکی: عیسی بن مریم گفت.

پوروخووا: عیسی بن مریم سخن گفت.

کراچکوفسکی: خدایا پروردگارا.

پوروخووا: ای خدا، پروردگارا.

کراچکوفسکی: برای ما مائده ای از آسمان بفرست.

پوروخووا: برای ما مائده ای از آسمانها سرازیر کن.

کراچکوفسکی: برای ما عیدی باشد.

پوروخووا: که آن عیدی شود و نشانه ای برای تو باشد.

کراچکوفسکی: برای اول و آخر ما.

پوروخووا: برای همه از اول ما تا آخر ما.

کراچکوفسکی: ما را روزی ده.

پوروخووا: ما را به آنچه مطلوب است روزی ده.

کراچکوفسکی: و تو بهترین روزی دهندگانی.

پوروخووا: و تو بهترین روزی دهندگانی.

توجه: کراچکوفسکی از متن قرآن حتی با یک حرف واو هم منحرف نشده است.

و اما برای تصرفی که بی حد و حساب به عمل آمده (در مقابل صراحت کراچکوفسکی که

آن نیز بی حساب است) آیه زیر را مثال می آوریم:

— آیه ۱۱۲ سوره توبه: التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الآمرون

بالمعروف والناهون عن المنکر والحافظون لحدود الله وبشر المؤمنین.

و مترجم با توفیق

تمام، با استفاده از

صیغه جمع اسم فاعل،

معادل مناسبی برای نص قرآنی یافته است.

پوروخووا این آیه را چنین ترجمه می کند:

کسی که در حال توبه به سوی خدا متوجه می شود؛

کسی که خدمت می کند و به قداست او ستایش می کند؛

و در جهان در راه او گردش می کند؛

و به خشوع سر خود را خم می کند؛

و در نماز سجده می کند؛

و به نام او امر به معروف و نهی از منکر می کند؛

و در پاکی حدود او را حفظ می کند؛

(آنان به زودی مژده داده می شوند).

این مؤمنان را مژده بده.

(پاداش بزرگی در انتظار آنان است).



در پایان، نظر ما راجع به ترجمه خانم والیریا پوروخووا هر چه باشد، و هر چه خطا و

لغزش و ماجراجویی در آن باشد، به هر حال این ترجمه به عنوان تجسم یک واقعیت در میان ترجمه‌های قرآن به زبان روسی جای خود را باز کرده است و ناشران آن موفق شده‌اند که آن را میان خوانندگان نشر دهند و با شیوه‌های خاصی آن را رواج بخشند. البته، ما معتقدیم این رواج برای زیبایی ترجمه نبوده، بلکه عطش زیادی که به شناخت کتاب خدا در اصل و ترجمه معانی آن در مرحله بعد وجود داشته و نیز احساسات مردم و نام شهر دمشق که در آن جا چاپ شده، در این رواج تأثیر داشته است. علاوه بر این بازار کتاب از ترجمه‌های دیگر خالی بوده و یا ترجمه‌ها به صورت زیبایی عرضه نشده است.

شاید خطرناک‌ترین چیزی که در این ترجمه وجود دارد این است که ترجمه مزبور خوانندگان را به این گمان وا می‌دارد که با مطالعه آن، قرآن کریم را به طور صحیح می‌فهمند؛ و نیز این ترجمه بر تلاش‌های فراوانی که در قرون متمادی در مکتب شرق شناسی روسی به عمل آمده است پرده می‌کشد، و حتی تلاش بزرگانی مانند کراچکوفسکی نادیده گرفته می‌شود، و بالاتر این که جلو این آرزو را می‌گیرد که در آینده نزدیک ترجمه جدید و خوبی از معانی کتاب خدا ارائه شود؛ و این در حالی است که این اثر میدان را برای ماجراجویان خالی می‌گذارد. چه تضمینی وجود دارد که در روزهای آینده شخصی پیدا نشود که اندک شناختی از ادبیات داشته باشد و خواهان مال و شهرت باشد و ترجمه‌ای جدید به ما ارائه نکند، آن هم در عصری که همه چیز در آن ممکن است و روش تحقیقات علمی استوار متروک شده است؟!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی